



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

تاریخ: ۱۳ آذر ۱۳۹۷

موضوع جزئی: شرط چهارم؛ مباح بودن آب وضو، ظرف آب وضو، مصب آب وضو و مکان وضو

مصادف با: ۲۶ ربیع الاول ۱۴۴۰

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

جلسه: ۳۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در مسأله ۵۵۷ بود که سه فرع آن در جلسه گذشته بیان گشتند و فرع اول بررسی شد.

#### بررسی فرع دوم

فرع دوم این است که اگر شخص با علم به غضب، در ملک غیر داخل شود و سپس از این عصیان، توبه کند و به قصد رهایی از غضب، از آن ملک خارج شود و در حال خروج، وضو بگیرد، وضویش صحیح است زیرا خروج او به قصد رهایی از غضب در راستای امتثال امر مولاست لذا وضویی که در حال خروج می‌گیرد، حرام نیست و صحیح می‌باشد.

اشکالی که به مرحوم سید (ره) وارد است، این است که چرا حکم فرع دوم را مثل فرع اول دانسته و یک حکم برای هر دو فرع ذکر کرده است، در حالی که فرع دوم از مصادیق موردی است که شخص زمینی را با سوء اختیار خودش غضب کرده است و داخل شدنش در آن زمین، چون با سوء اختیار بوده است، مبعوض مولاست و معاقب است و مسلماً خروج از آن ملک غضبی نیز مبعوض و معاقب است و بین آن موردی که شخص توبه کند و قصد تخلص داشته باشد و آن موردی که او توبه نکند، فرقی نیست. بنابراین، حکم فرع دوم با فرع اول متفاوت است و آن، این است که وضو در این فرع محکوم به بطلان است زیرا دخول شخص و خروج او از ملک غضبی که با علم به غضب بودن است، حرام است و لذا وضو در حال خروج از ملک غضبی، مبعوض مولا و محکوم به بطلان است و به نظر می‌رسد که بین توبه در این فرع و عدم توبه که در فرع سوم آمده است، فرقی نیست زیرا توبه فقط می‌تواند عقوبت آنچه را وی مرتکب شده است، بردارد و نمی‌تواند عقوبت آنچه را که شخص می‌خواهد مرتکب شود، بردارد و در فرع دوم، شخص بعد از اینکه از دخول در ملک غضبی توبه کرده است و پشیمان شده است، قصد خروج کرده است و بعد از توبه، در حال خروج وضو گرفته است لذا توبه عقوبت دخول او در ملک غضبی را برمی‌دارد، ولی حرمت وضوی در حال خروج که بعد از توبه بوده است را برنمی‌دارد زیرا نهی از تصرف در ملک غیر هنوز شامل او می‌شود و وضوی او در ملک غیر، مبعوض مولاست، و باطل است.

مرحوم شیخ انصاری (ره) در فرض مذکور، فرموده است که شخصی که قصد دارد از ملک غضبی خارج شود، امر به خروج دارد و خروج در این فرض، عنوان حرمت ندارد و اگر مبعوضیتی بوده، درباره آنچه شخص مرتکب شده، بوده است، یعنی مبعوضیت مربوط به دخول در ملک غضبی است، ولی بعد از دخول، امر به خروج وجود دارد چون خروج مقدمه تخلص از غضبیت است و مقدمه تخلص از حرام این است که وی از آن ملک غضبی خارج شود. پس تخلص واجب است و خروج که مقدمه تخلص است نیز واجب می‌باشد. مقدمه واجب که در این فرض، خروج از ملک غضبی است، یا وجوب عقلی دارد یا علاوه بر وجوب عقلی،

و جوب شرعی نیز دارد و از آنجا که شارع هیچ‌گاه امر به حرام نمی‌کند، بنابراین، خروج شخص از ملک غصبی بر وجه مباح صورت گرفته است و وضوی او نیز صحیح است.

البته می‌توان گفت که امر به خروج صرفاً آن مقداری از حرمت را برمی‌دارد که شخص هنگام خروج چاره‌ای جز تصرف در آن ندارد، ولی امر به خروج، حرمت باقی ماندن برای وضو گرفتن و آب ریختن در آن ملک غصبی را برنمی‌دارد. پس جواز وضو گرفتن و آب ریختن در ملک غصبی از امر به خروج به دست نمی‌آید لذا طبق مبنای مرحوم سید (ره) که معتقد است که مکان و مَصَب آب وضو نیز باید مباح باشد، در این فرع، وضو صحیح نیست.

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که خروج مانند دخول در زمین غصبی حرام است، ولی حرمت آن موجب بطلان وضو نمی‌شود زیرا خروج از ملک غصبی عین وضو نیست و با آن اتحاد ندارد چون وضو عبارت از غَسَلَتان و مسحَتان است و خروج از ملک غصبی ربطی به وضو ندارد. بنابراین، وضو گرفتن در هنگام خروج از ملک غصبی، مشکلی ندارد.

خلاصه اینکه در فرع سوم، چند نظر مطرح است.

نظر اول، اینکه فرقی بین دخول در ملک غصبی و خروج از آن نیست و همان‌طور که دخول در ملک غصبی حرام است، خروج از آن نیز حرام است و وضو هنگام خروج از ملک غصبی باطل است؛ هرچند که شخص بعد از دخول در ملک غصبی توبه کرده باشد.

نظر دوم، نظر مرحوم شیخ انصاری (ره) است و آن، اینکه دخول در ملک غصبی حرام است، ولی خروج از آن حرام نیست زیرا خروج از ملک غصبی از ناحیه مولی امر دارد لذا وقتی خروج از ملک غصبی امر داشته باشد و حرام نباشد، وضوی در حال خروج نیز حرام نیست که در پاسخ از کلام مرحوم شیخ (ره) عرض شد که امر به خروج از ملک غصبی فقط حرمت تصرفی را برمی‌دارد که شخص در هنگام خروج چاره‌ای جز آن ندارد، ولی آن امر، حرمت توقف در ملک غصبی به منظور وضو گرفتن و حرمت آب ریختن در مکان غصبی را برنمی‌دارد.

نظر سوم، نظر مرحوم آیت الله خویی (ره) است و آن، اینکه خروج از ملک غصبی همانند دخول در آن، حرام است، لکن حرمت خروج از ملک غصبی موجب بطلان وضو نمی‌شود زیرا خروج از ملک غصبی عین وضو نیست و با آن اتحاد ندارد.

نظر مختار، این است که همان‌طور که مرحوم شیخ انصاری (ره) فرمود، دخول در ملک غصبی حرام است، ولی خروج از آن واجب است و حرام نیست. از طرف دیگر، وضو گرفتن در هنگام خروج از ملک غصبی حرام نیست چون وضو عبارت از غَسَلَتان و مسحَتان است و تصرف در ملک غصبی به منظور وضو گرفتن، موجب بطلان وضو نمی‌شود و نهایت چیزی که می‌توان گفت، این است که شخص مرتکب حرام شده و معصیت کرده است و اگر چیزی از مالک تلف کرده باشد و ضرری به ملک مالک وارد کرده باشد، ضامن است و باید خسارت آن را بپردازد، ولی وضوی او باطل نیست.

نتیجه، اینکه طبق نظر مختار، در فرع دوم نیز همانند فرع اول، وضو صحیح است.

#### **بررسی فرع سوم**

اگر شخص با علم به غصب، در ملک غیر داخل شود، ولی توبه نکند و خروج او از ملک غصبی به قصد رهایی از غصب نباشد، صحت وضویی که در حال خروج گرفته است، محل اشکال است.

به نظر می‌رسد که حکم فرع سوم، از حکم فرع قبلی قابل استفاده است چون خروج از ملک غضبی در مسأله مورد بحث [مسأله ۵۵۷]، همان‌طور که مرحوم شیخ انصاری (ره) فرمود، حرام نیست زیرا خروج از ملک غضبی مقدمه تخلّص از حرام است و تخلّص از حرام، واجب است لذا خروج نیز از باب مقدمیت برای واجب، واجب است و از این جهت، فرق نمی‌کند که شخص توبه بکند یا توبه نکند زیرا شخص در حال خروج که حرام نیست، وضو می‌گیرد. بنابراین، در هر دو صورت [چه با توبه و چه بی‌توبه]، وضو صحیح است و توبه و عدم توبه او تأثیری در حکم ندارد تا گفته شود که با توبه وضو صحیح است، ولی بی‌توبه وضو باطل است.

به نظر مرحوم آیت الله خویی (ره) خروج از ملک غضبی همانند دخول در آن، حرام است، لکن حرمت خروج از ملک غضبی موجب بطلان وضو نمی‌شود زیرا خروج از ملک غضبی عین وضو نیست و با آن اتحاد ندارد. بنابراین، وضو گرفتن در حال خروج اشکالی ندارد؛ چه شخص توبه کرده باشد و چه او توبه نکرده باشد.

**مسأله ۵۵۸:** «إذا وقع قليل من الماء المغصوب في حوض مباح، فإن أمكن ردّه إلى مالكة و كان قابلاً لذلك، لم يجز التصرف في ذلك الحوض و إن لم يمكن ردّه، يمكن أن يقال بجواز التصرف فيه لأنّ المغصوب محسوب تالفاً، لكنّه مشكل من دون رضی مالكة»<sup>۱</sup>.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر مقدار کمی از آب مغصوب در حوض مباح واقع شود و ردّ آن به مالکش ممکن باشد و آن قابلیت ردّ را داشته باشد، تصرف در آن حوض جایز نیست، ولی اگر ردّ آن به مالکش ممکن نباشد، ممکن است که گفته شود که تصرف در آن حوض جایز است چون مغصوب، تلف شده شمرده می‌شود یا به مثل یا به قیمت تبدیل می‌گردد، لکن تصرف در آن بدون رضایت مالکش مشکل است.

مسأله مذکور، دو فرع دارد:

فرع اول، اینکه امکان ردّ آب قلیل مغصوبی که در حوض آب مباح افتاده است، به مالکش باشد که مرحوم سید (ره) فرمود که در این فرض، چون آب حوض مشتمل بر آب غضبی است، تصرف در آن جایز نیست.

فرع دوم، اینکه امکان ردّ آب مغصوب به مالکش نباشد که در این صورت، ممکن است که گفته شود که تصرف در آب حوض جایز است چون آب مغصوب تلف شده است، لکن حکم به جواز تصرف در آن بدون رضایت مالکش مشکل است.

سؤالی که ممکن است که مطرح شود، این است که در چه مواردی امکان ردّ وجود دارد و در چه مواردی امکان ردّ نیست. پاسخ این است که امکان ردّ به این است که تمام آب حوض که با آب غضبی مخلوط شده است، به مالک آب مغصوب برگردانده شود و در این صورت، مالک آب مغصوب، بین شرکت، یعنی با مالک آب مباح شریک باشد و بین اینکه قیمت آب را بگیرد و آب را به مالک حوض برگرداند، مخیر است.

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که ردّ به نحو مذکور، در همه جا امکان‌پذیر نیست، بلکه در مواردی ممکن است که هر دو آب [آب غضبی و آب مباح] از یک سنخ باشند؛ مثلاً هر دو آب آشامیدنی باشند یا هر دو آب شیرین باشند یا هر دو آب شور باشند.

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۲۹.

البته با توضیحی که داده شد، معلوم می‌شود که خود آب مغضوب، امکان ردّ ندارد، بلکه امکان ردّ با فرض ردّ قیمت یا شرکت متصور است.

مرحوم آیت الله خویی (ره) در رابطه با فرضی که امکان ردّ آب غصبی اصلاً وجود ندارد، فرموده است که فرض عدم امکان ردّ در صورتی است که آب غصبی با آبی که در حوض وجود دارد، مغایر باشد و از دو سنخ باشند؛ مثلاً یکی آب شیرین و دیگری آب تلخ باشد. مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که در این فرض که امکان ردّ وجود ندارد، آب غصبی در حکم تالف شمرده می‌شود و در این صورت، مالک حوض قیمت یا مثل آن آب غصبی را به مالک آن می‌پردازد و مالک آب غصبی حق اعتراض ندارد و سپس وضو گرفتن با آن آب حوضی که با آب غصبی مخلوط شده است، اشکالی ندارد.

به نظر می‌رسد که کلام مرحوم آیت الله خویی (ره)، مبنی بر اینکه فرض عدم امکان ردّ مختص به صورتی است که آب غصبی و آب مباح مغایر باشند، صحیح نیست زیرا از حکم ایشان به رد مثل یا قیمت به مالک آب غصبی، فهمیده می‌شود که متمثل یا متغایر بودن آب غصبی با آب حوض، تفاوتی در حکم مذکور، ایجاد نمی‌کند زیرا ایشان فرمود که در فرضی که امکان ردّ نباشد، همه آب به مالک آب حوض تعلق می‌گیرد و مالک آب حوض به مالک آب غصبی مثل آن آب یا قیمت آن را می‌پردازد. بنابراین، طبق این توضیح، تغایر یا عدم تغایر آب مباح با آب غصبی تأثیری در این حکم ندارد و تفاوتی در حکم ایجاد نمی‌کند؛ در حالی که ایشان فرمود که تغایر و عدم تغایر، مؤثر است. به هر حال، در این فرض، پرداختن عین آن آب مغضوب به مالکش، امکان ندارد.

«الحمد لله رب العالمین»